

<https://www.aftabekherad.ir>

Spiritual Illustration of Religion and Religious Beliefs

Hossein Javan Arasteh

Associate Professor of the University and District Research
Institute

Received: 2017/11/06

Accepted: 2017/12/18

Abstract

Religion and spirituality are closely related, and religious teachings are essentially intertwined with spirituality. In today's societies, two images of religious spirituality are observed, one of which seems correct and the other incorrect. Incorrect depiction reduces religious values to superficial feelings and leaves no room for religious identity, and in fact, it can be called depiction instead of depiction. By comparing these two approaches, this article seeks to explain the difference between them, far from extremes, and while emphasizing the need for spirituality as a real and permanent need, it takes a look at religious and non-religious spirituality, points out the effects of self-founded deviant spiritualities, and at the same time depicts manifestations of religious spirituality.

Keywords: Spiritual depiction, religious spirituality, non-religious spirituality, deviant spirituality

تصویرسازی معنوی از دین و باورهای دینی

حسین جوان آراسته^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

چکیده

دین و معنویت همزاد همنند و اساساً آموزه های دینی، با معنویت عجین شده اند. در جوامع امروزی دو تصویر از معنویت دینی مشاهده می شود که یکی درست و دیگری نادرست به نظر می رسد. تصویرسازی نادرست، ارزشهای دینی را به احساساتی سطحی فرومی کاهد و جایی برای هویت دینی باقی نمی گذارد و در واقع می توان به آن تصویرسازی به جای تصویربایی نام نهاد. این مقاله با مقایسه میان این دو رویکرد، در صدد است به دور از افراط و تفریط، تفاوت میان آنها را بازگو کند و ضمن تاکید بر نیاز به معنویت به عنوان نیازی واقعی و دائمی، نیم نگاهی به معنویت دینی و معنوی غیر دینی افکنده و آثار معنویت های خودبنیاد انحرافی را گوشزد می کند و همزمان جلوه هایی از معنویت دینی را به تصویر می کشد.

کلیدواژه ها: تصویر سازی معنوی، معنویت دینی، معنویت غیر دینی، معنویت انحرافی

^۱ . دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مقدمه

احساس نیاز به معنویت برای انسان در همه زمانها وجود داشته و این نیاز در دنیای امروز با وجود آسیب های روحی و روانی ناشی از خلا معنویت در زندگی مادی و ماشینی، بیش از پیش احساس می شود تا جایی که روانشناسان در بسیاری از موارد برای درمان برخی از اختلالات روحی، از امور معنوی مدد می گیرند. آنها بر این باورند که زندگی در قرن بیست و یکم همراه با استرس و تنیدگی روانی و بحران هایی است که بیماری های جسمی فراوانی را به دنبال آورده است. در این میان نقش دین و باورهای دینی در کاهش اضطراب های روحی به شدت مورد توجه قرار گرفته است. «کن وی ضمن تحقیقی که در زمینه تأثیر دین بر سلامت روان در سال ۶-۱۹۸۵ روی اشخاص سالمند انجام داد دریافت که شرایط طبی استرس زا در بین اشخاص سالمند شایع تر بوده ولی اعتقادات و اعمال دینی شامل نماز خواندن، فکر کردن در مورد خداوند و عقاید درونی فرد به عنوان مکانیزم های مهم برای کم کردن استرس و بهتر کردن توانایی سازش با اینها در بین بیماران سالمند به ویژه سیاه پوستان به کار می روند». (دادفر، ۱۳۸۶: خبرگزاری فارس).

چنین تاثیراتی حد اقل های مورد انتظار از معنویت دینی است که گاه حتی به درستی درک نمی شود. در تربیت مبتنی بر معنویت صحیح است که تصویری زیبا و درست از زندگی سعادت‌مندانه رخ می نماید، انسان به آرامش واقعی می رسد و آدمی از سردرگمی و بلا تکلیفی رهایی می یابد. راز این آرامش را باید در هویت انسان سراغ گرفت که در خلقتش، افزون بر جنبه های مادی و جسمانی، بعد روحانی نیز آمیخته شده است و از این رو همپای نیازهای مادی و چه بسا مقدم بر آنها، نیاز به معنویت را در خود احساس می کند و تا زمانی که به آن نرسد، آرام نمی گیرد. هنر دین و باورهای دینی، ارائه معنویتی راستین است که گمشده همیشه انسانها و بویژه انسان مدعی در دنیای مدرن بوده و هست. این نوشتار با پرهیز از رویکردهای افراطی یا تفریطی به مقوله معنویت، و با تاکید بر ابعاد گوناگون فقهی، سیاسی و اجتماعی آموزه های دینی که همگی در جای خود لازم و ضروری اند، تمرکز خود را بر نگرش صحیح از دین ورزی معنوی قرار می دهد.

۱. نیاز به معنویت

شاید بتوان گفت که اثبات این نیاز، چندان نیاز به دلیل و برهان ندارد زیرا امری است که هرکس در ذات خود آن را احساس می کند. تنها چیزی که وجود دارد کالاهای متفاوتی است که به نام معنویت عرضه می شوند. نیاز به معنویت به دلیل نیاز به آرامش در زندگی

است که مطلوب هر انسانی است و قرآن کریم این آرامش معنوی را تنها در سایه یاد خدا امکان پذیر می داند. الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد: ۲۸) آنان که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرامش می یابد آگاه باشید که دلها به یاد خدا آرامش می یابد.

«معنویت دینی، تصویری از هستی در ذهن انسان مجسم می کند که نتیجه آن «خوشبینی به جهان و خلقت و هستی [است]. ایمان مذهبی از آن جهت که تلقی انسان را نسبت به جهان شکل خاص می دهد، به این نحو که آفرینش را هدفدار و هدف را خیر و تکامل و سعادت معرفی می کند، طبعاً دید انسان را نسبت به نظام کلی هستی و قوانین حاکم بر آن خوشبینانه می سازد. (مطهری، ۱۳۹۳: ۳۹) و به همین جهت است که هر انسانی باید به دین و آموزه های دینی، پاسخ مثبت دهد. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال: ۲۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا و پیامبر را اجابت کنید آن گاه که شما را به اسلام که موجب حیات شماسست فرا می خوانند. بی گمان این دین است که به زندگی و حیات انسان معنا می دهد.

«بشر اگر دستش به دامن معشوق لایق نرسید و معبود شایسته عبادت ندید عینا مانند کودکان که با چوب و کهنه و نخ، عروسک و اسب می سازند و با آن سرگرم می شوند بنابه احتیاج به دست و فکر خود معبود می سازد، به آن ایمان می آورد و بندگی آن را می کند، حال از این بندگی به بیچارگی یا به خوشبختی برسد مطلبی است جداگانه» (بازرگان، ۱۳۷۷: ۴۱۲). بازرگان بر این باور است که «انسان می خواهد تکیه بر عقیده و ایمانی داشته باشد و در سایه آن چون مرغی که به لانه می رود یا چون خود شخص که در خانه مامن می گزیند، روحا و فکرا امنیت و اطمینان داشته باشد. عقایدی که اصول آن برای او جواب معماهای زندگی را بدهد و خیالش را از تردید و تشنگی آزاد کند. عقیده و ایمان برای شخص به لحاظ معنوی عینا مانند خانه و شغل به لحاظ جسمی است (بازرگان، ۱۳۷۷: ۴۳۰). معنویت برخاسته از ایمان مذهبی چنان است که «جهان را در نظر انسان تغییر می دهد. عناصری علاوه بر عناصر محسوس، در ساختمان جهان ارایه می دهد و جهان خشک و سرد مکانیکی و مادی را به جهانی جاندار و ذی شعور و آگاه تبدیل می کند. ایمان مذهبی تلقی انسان را نسبت به جهان و خلقت دگرگون می سازد (مطهری، ۱۳۹۳: ۳۵).

۲. معنویت دینی و معنویت غیر دینی

در یک برداشت از معنویت چه بسا هرگونه تجربه عاطفی یا هیجانی می تواند معنویت به حساب آید. همین که فردی در وضعیتی خاص احساس اوج و تعالی نماید می توان گفت دچار حالتی معنوی شده است و مهم این نیست که منشا آن یک قطعه موسیقی، یک قصیده و غزل یا فیلم و تأثر باشد یا نمایشی از تعزیه خوانی آیینی؛ زیرا آنچه مهم است سیر و سلوک در فضایی معنوی است که روح آدمی را از امور مادی و گرفتاری های دنیوی بیرون آورد؛ ما نام این معنویت را معنویت غیر دینی می گذاریم.

قران کریم، گمشده انسان تهی از معنویت را که در ظلمات به سر می برد، نورانیت الهی می داند و این گونه بشارت می دهد که: قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ. يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ يَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (مائده: ۱۵) حَقًّا از جانب خداوند، نوری و کتاب آشکاری به سوی شما آمد - خداوند به وسیله آن نور و کتاب آشکار، کسانی را که از رضا و خشنودی او پیروی کنند؛ به راههای سلامت هدایت می نماید؛ و با اذن خود و علم خود آنها را از تاریکیها به سوی نور می کشاند؛ و به سوی راه راست هدایت می کند. این واقعیت را نمی توان انکار کرد که «تنها ایمان مذهبی قادر است انسان را به صورت یک مؤمن واقعی درآورد، هم خودخواهی و خود پرستی را تحت شعاع ایمان و عقیده و مسلک قرار دهد و هم نوعی «تعبد» و «تسلیم» در فرد ایجاد کند. گرایش های ایمانی و مذهبی موجب [می گردد] که انسان تلاش هایی برخلاف گرایش های طبیعی فردی انجام دهد و احياناً هستی و حیثیت خود را در راه ایمان خویش فدا سازد. این در صورتی میسر است که ایده انسان جنبه تقدس پیدا کند و بر وجود انسان حاکمیت مطلق بیابد. (مطهری، ۱۳۹۳: ۳۴). قرآن برای راهنمایی انسان به او هشدار می دهد که دنیاگرایی در نقطه مقابل معنویت گرایی است و حقیقت دنیاگرایی جز بازی و سرگرمی نیست در حالی که زیست انسانی با نگاهی متعالی و اخروی پیوند خورده است: وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.

این زندگی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست؛ و زندگی واقعی، سرای آخرت است، اگر می دانستند! (عنکبوت: ۴۴)

۳. معنویت گرایی انحرافی

یک. زمانی که ما از معنویت دینی سخن می‌گوییم، مقصود ما به هیچ وجه معنویت گرایی‌های نوین در حوزه دین داری نیست که در اشکال مختلفی چون «۱- پاپکورنیزاسیون دین و معنویت یا دین ورزی و معنویت گرایی به مثابه رفتاری صرفاً مسرت بخش، موجب شادکامی و حتی مایه طنز و خنده ۲- کالایی شدن دین و معنویت یا دین ورزی به مثابه رفتاری در بازار مصرف (معامله کالای مصرفی داشتن با دین) ۳- درمان گرانه شدن دین و معنویت یا دین ورزی به مثابه رفتاری شفاجویانه و درمانی (معامله ابزار درمانی داشتن با دین)» (حمیدیه، ۱۳۸۹: ۱۹۳) بروز و ظهور یافته‌اند؛ چنین تصوراتی از معنویت دینی، ناشی از احساس گرایی سطحی و تنزل یافته‌ای است که با آرمان خواهی‌ها و اندیشه ورزی عمیق و تعمق در فلسفه زندگی، فاصله بسیاری دارند و به منافع زودگذر، آنی و مادی معطوف می‌باشند. «جای این پرسش جدی وجود دارد که آیا دین و معنویت کالایی شده و غیر متعالی، می‌تواند فواید مورد انتظار را ارائه دهد و موجب ارضای نیاز بشر به «معنا» شود. دین و معنویت، هنگامی که به ابژه مسرت بخش تبدیل می‌شوند، از آن جا که کارکرد آنها منحصر در ارضای نیازی بسیار سطحی و مبتذل یعنی نیاز به مسرت از نوع خنده طنز و فکاهی، نه مسرت حقیقی مندرج در سعادت غایی می‌گردد، فاقد اثرگذاری ریشه دار و دراز مدت می‌گردند» (حمیدیه، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۲۰۵). از سوی دیگر معنویت ورزی با هدف شفایابی زمینه ساز سوء استفاده شیادان و خلق خرافاتی به نام دین شده که در برخی از موارد، اساس دین را هدف گرفته است.

به نظر می‌رسد چنین رویکردهایی به معنویت در جوامع غربی، سبب اقبال به دین شده و «فروش کتب دینی و اخذ مراتب عالی در الهیات و معارف دینی، رشد مثبت داشته است مثلاً در امریکا طبق گزارش روزنامه تمپا تریبون، فروش کتب دینی از آوریل ۱۹۹۴ تا ژوئیه ۱۹۹۶ (یعنی در مدت ۲۷ ماه) چهارصد و پنجاه درصد رشد داشته است. همین طور درصد دکتری اخذ شده در الهیات امریکا نسبت به تعداد کل دکتری‌های ماخوذ از ۱/۴ درصد در ۱۹۷۰ به ۴/۲ درصد در ۱۹۸۰ افزایش یافته است... اگر از شاخص‌های متداول فوق‌الذکر بگذریم و نظری دقیق‌تر به وضعیت دین در محیط‌های آکادمیک بیان‌دازیم، شواهد چشمگیری بر احیای تفکر دینی می‌یابیم (گلشنی، ۱۳۷۹: ۴۴). این پرسش البته وجود دارد که آیا می‌توان این آمارها را دلیلی بر احیای تفکر دینی دانست. به نظر می‌رسد با توجه به رواج معنویت گرایی‌ها و عرفان‌های کاذب بویژه در غرب، به سختی بتوان اقبال یادشده

به فروش کتب دینی و دروس الهیات در مراکز دانشگاهی را شاهدی بر احیای تفکر دینی گرفت زیرا باید نسبت به عوامل ایجادکننده این اقبال، بررسی و مطالعه دقیق صورت پذیرد. دو. یکی دیگر از انحرافات در عرصه معنویت گرایبی، این است که گاهی تصویر سازی معنوی از دین را ملازم با نفی فقه و احکام دینی دانسته اند در حالی که هم اصل دین و هم احکام آن مبتنی بر فطرت انسانی است. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۳۰). پس حق گرایانه، به سوی این آیین، روی آور، [با همان] فطرتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. تغییری در آفرینش خدا نیست. آیین پایدار همین است ولی بیشتر مردم نمی دانند. سه. انحراف دیگری که در تصویرسازی معنوی دین صورت می گیرد، ناشی از رویکردهای سکولاریستی به دین است. همواره باید مراقب بود که تصویر سازی معنوی، نباید به افراط و تفریط کشانده شود. فروکاستن باورهای دینی به اموری صرفاً اخلاقی و بریده از فرهنگ و اقتصاد و اجتماع، نه تنها تقدس بخشیدن به آن نیست بلکه منجر به معنویت های دروغین خواهد شد و دین را از خصلت جامعیت تهی خواهد کرد. چه کسی است که نداند، در کنار همین تعالیم معنوی و تربیتی، فرامین دفاعی و جهادی نیز در متن دین وجود دارد: وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ (انفال: ۶۰). هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با دشمنان آماده سازید! اسبهای ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و این ها لازمه برقراری رابطه انسان با جامعه است و در این رابطه نیز همه نیازمندی های انسانی که مرتبط با تربیت و سعادت‌مندی اوست در نظر گرفته می شود. تصویر سازی معنوی از دین هرگز نباید به نتایجی منتهی شود که آموزه های دینی را صرفاً در مجموعه ای از اخلاقیات خلاصه کند؛ تصویر سازی معنوی دین می تواند بر اسلام رحمانی تاکید ورزد ولی رحمانیتی که در گاه در جنگ و جهاد نیز جلوه گر می شود. عرصه هایی این چنین نیز هیچ منافاتی با رحمانیت الهی ندارند. به گواهی تاریخ و تصریح قرآن، این پیامبران و پیروان آنها بوده‌اند که در مقابل جبارانی چون فرعونها و نمرودها به پا خاسته و با طاغوت ها مبارزه کرده اند. بر این اساس می توان تصویری معنوی از دین داشت که با حماسه و پیکار و جهاد در راه خدا منافاتی نداشته باشد. سوگمندان باید اذعان نمود که گاه برای تثبیت معنویت دین و باورهای دینی، اعتقاد به جهاد و امر به معروف و نهی از منکر یا اقامه حدود الهی، قرائتی خشونت‌گرا از دین معرفی می شود و چنین خوانشی، خشونت‌آمیز تلقی می گردد. البته همواره باید مراقب بود تا از دین و آموزه های دینی، سوء استفاده ابزاری از

دین صورت نگیرد و چهره زیبای دین با افراط گرایی نامعقول، چهره ای خشن به نمایش در نیاید این سخن حقی است که منافاتی با اجرای احکام و حدود الهی نخواهد داشت. **چهار.** در معنویت گرایی انحرافی، اثری از «تکلیف گرایی دینی» وجود ندارد. هر تجربه‌ای که فرد را به نقطه اوجی برساند، معنویت تلقی می شود در حالی که در معنویت دینی، این حالت زمانی حاصل می شوند که بندگی و تسلیم خداشدن حاصل شده باشد.

۴. رابطه معنویت با عبودیت

از منظر دین، راه رسیدن به معنویت، عبودیت است؛ عبودیتی که در سایه دعا، نیایش و خضوع و خشوع در برابر خداوند حاصل می شود. به فرموده قرآن کریم: **قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ (فرقان: ۷۷)**؛ بگو: اگر دعایتان نباشد پروردگارم برای شما ارج و منزلتی قائل نخواهد بود. دعا و نیایش خلأ معنوی انسان ها را پر می کند و انسان گرفتار و ضعیف و پریشان را به قادر متعال بی همتا پیوند می زند. هنگامی که شما از این مبدا لایتناهی مدد می گیرید، با این پشتوانه توانایی ایستادگی در برابر هرگونه مشکلی را خواهید داشت. این بندگی عین آقایی و عزت مندی است و نباید آن را با بردگی مادی مقایسه کرد.

بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند
خوی حیوانی سزاوار تو نیست ترک این خو کن که انسانت کنند (الحسینی
الجوهری، ۱۳۸۶: ص ۲۸).

از امام حسن علیه السلام نقل شده است که فرمود: **مَنْ عَبْدَ اللَّهِ عَبْدَ اللَّهِ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ**: هر کس بندگی خدا کند، خداوند متعال همه چیز را تحت فرمان او قرار می دهد.. (ورام، ۱۳۶۸: ۴۲۷). سعدی همین مضمون را در قالب حکایتی این گونه به تصویر می کشد که یکی از بزرگان اهل معنا، روزی بر پلنگی نشسته و ماری به دست داشت، با شگفتی از این حالت پرسید و پاسخی درخور شنید.

حکایت کنند از بزرگان دین حقیقت شناسان عین الیقین
که صاحبدلی بر پلنگی نشست همی راند رهوار و ماری به دست
یکی گفتش: ای مرد راه خدای بدین ره که رفتی مرا ره نمای
چه کردی که درنده رام تو شد نگین سعادت به نام تو شد؟
بگفت ار پلنگم زبون است و مار وگر پیل و کرکس، شگفتی مدار
تو هم گردن از حکم داور مپیچ که گردن نییچد ز حکم تو هیچ
(سعدی، ۱۳۷۵: ۴۱)

انسانی که فرمانبردار حق باشد، همه چیز و تحت فرمان او قرار خواهد گرفت. این مراتب از عبودیت و بندگی، معنویت را به انسان هدیه می کند که بسیار فراتر از تسکین آلام جسمی و روحی است و در حقیقت، از بین رفتن اضطرابها و تشویش ها از تاثیرات اولیه آن خواهد بود. «غزالی می گوید، از طریق ذکر، تمامی ترس ها از بین می رود و همه ناراحتی ها از آدم سترده می شود. آنگاه که فرد به یاد خدا می افتد، قلبش مالمال از رضا می شود، قلبی که آکنده از ترس و یاس بوده است. لطف و توجه پروردگار قلب ذاکر را زیر سایه خود قرار می دهد و انسان را به یقین و قاطعیت می رسد که رهایی از ناراحتی های درونی سهل و هموار است و می توان وسوسه ها را در هم کوبیده و تخیلات باطل را از خود دور ساخت». (قریشی راد، ۱۳۸۲: جلد ۲، ۲۵۷).

در اثر عبودیت، انوار الهی در قلوب اولیای الهی تجلی پیدا کرده و ساطع شده است. افراد متمایل به معنویت های دروغین و بریده از روح عبودیت از این حقیقت غافل شده اند که الگوهای بزرگ معنوی همچون پیامبر اسلام از مسیر عبودیت به معنویت رسیده اند. شیفتگی به بندگی الهی برای این شخصیت بزرگ چنان بود که هنگام فرا رسیدن وقت نماز به مؤذن خویش، بلال، می فرمود: «أَرِحْنَا بِهَا يَا بَلَالُ!» ای بلال! ما را با نماز آسوده کن. یعنی با اذان خویش ما را به وادی نماز و گفت و گو با محبوب وارد ساز (ابن اثیر الجزری، ۱۳۶۷: جلد ۲، ۲۷۴). و با این دستمایه معنوی، انبیا و اولیای الهی، در رؤیت حقایق هستی، هیچ حجاب و پرده ای نداشته اند، زیرا آنان پرده های هوی و هوس را پاره کرده و پا از تمنیات دنیا برکشیده بودند.

اگر گرایش به دین امری فطری است به این دلیل است که درون مایه آن عبودیت و پرستشی است که یکی از نتایج و میوه های آن، معنویت است. متأسفانه دیروز شیوه مارکسیستها برای مقابله با دین این بود که از خود دین علیه دین استفاده می کردند، به این صورت که مفاهیم مذهبی را از محتوای معنوی آن خالی و با محتوای مادی جایگزین می کردند ولی امروزه مبارزه با دین ورزی انسانها به شکل دیگری بروز و ظهور پیدا کرده است؛ بدین صورت که با تاکید و ترویج معنویت در خود معنویت دینی تحریف صورت می گیرد. تاکید بر تحصیل معنویت از طریق موسیقی و یا اعمال و رفتاری که شرع هیچگاه بر آنها صحه نگذاشته است، نشان می دهد که معنویت ورزیهای از این دست به چه میزان با معنویت اصیل دینی که از راه عبودیت و بندگی خالصانه به دست می آید، فاصله دارد. گاه معنویت های نوپدید چنان شکل انحرافی به خود می گیرند که با شعار عرضه «دین طبق

سفارش شما» به میدان می آیند و نسخه بدلی از دین و صورتکهایی از عرفان‌های من درآوردی ارائه می کنند تا «مرجعیت معنوی دین» را بازستانند.

زیست مؤمنانه و با معنویت، زمانی تحقق خواهد یافت که هماهنگ با آموزه‌های منبعث از دین باشد، همان دینی که به اعمال فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و شئون مختلف زندگی، سمت و سو می بخشد. انسان با اخلاقیات دینی است که به پاکیزگی درونی و معنایابی زندگی دست می یابد و گام به گام مورد عنایت و هدایت حق تعالی قرار می گیرد. این درون پاکیزه است که انوار الهی در آن جلوه گر می شود و چشم و گوش پاک و پالایش شده اند که می توانند، بیننده و شنونده حقایق قدسی گردند. مولوی این واقعیت را به زیبایی تمام این گونه به تصویر می کشد که با «گوش خر» که همان گوش آلوده است درک سخن حق ممکن نیست.

گوش خر بفروش و دیگر گوش، خر کاین سخن را در نیابد گوش خر
(مولوی، ۱۳۹۵ : ۳۷)

۵. جلوه های معنویت دینی

اگر گوهر دین را در معنویت آن بدانیم، جای این پرسش وجود دارد که این معنویت را در کجا باید جست و جو کرد. تعالیم دینی و الهی، مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست که از رهگذر عمل به آنها می توان به نیازهای معنوی انسان پاسخ گفت. یکی از جلوه های معنویت دینی را در آموزه ای به نام «تقوا» باید سراغ گرفت. تقوا نیروئی است مقدس و متعالی که منشاء کششها و گریزهائی می گردد، کشش به سوی ارزشهای معنوی و فوق حیوانی و گریز از پستیها و آلودگیهای مادی. از نظر نهج البلاغه تقوا حالتی است که به روح انسان شخصیت و قدرت می دهد و آدمی را مسلط بر خویشتن و مالک خود می نماید. در نهج البلاغه بر این معنی تاکید شده که تقوا حفاظ و پناهگاه است نه زنجیر و زندان و محدودیت. بسیاری کسانی که میان مصونیت و محدودیت فرق نمی نهند و با نام آزادی و رهائی از قید و بند به خرابی حصار تقوا فتوا می دهند. قدر مشترک پناهگاه و زندان مانعیت است اما پناهگاه مانع خطرها است، و زندان مانع بهره برداری از موهبتها و استعدادها (مطهری، ۱۳۶۶: ۲۰۱-۲۰۰). علی (ع) می فرماید: **اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ وَالْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ وَلَا يُحْرِزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ، أَلَا وَبِالتَّقْوَى تُقَطَّعُ حُمَةُ الْخَطَايَا** (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷). بندگان خدا بدانید که تقوا حصار و باروئی بلند و غیر قابل تسلط است و بی تقوائی و هرزگی حصار و باروئی پست است که مانع و

حافظ ساکنان خود نیست و آنکس را که به آن پناه ببرد حفظ نمی کند، همانا با نیروی تقوا نیش گزنده خطاکاری ها بریده می شود. لازمه بی تقوایی و مطیع هوای نفس بودن ضعف و زبونی و بی شخصیت بودن در برابر محرکات شهوانی و هواهای نفسانی است و آدمی در چنین حالتی انسان همچون سواری است که از خود اختیاری ندارد و این مرکب است که او را به این طرف و آن طرف می برد در حالی که تقوا، به انسان قدرت و شخصیت معنوی می دهد و او را مالک بر وجود خویش می کند. در چنین حالتی مانند سوارکار ماهری است که مرکب خویش را به خوبی تربیت کرده و با تسلط کامل بر آن، مرکب را در همان سویی که می خواهد. امیر مومنان تصویر سازی معنوی از تقوا را در بیانی دیگر به این صورت ارائه می دهد: «عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ حَمَتُ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مَحَارِمَهُ، وَ أَلَزَمَتْ قُلُوبَهُمْ مَخَافَتَهُ حَتَّى أَسْهَرَتْ لَيَالِيَهُمْ، وَ أظْمَأَتْ هَوَاجِرَهُمْ (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۴). تقوای الهی اولیاء خدا را در حمایت خود قرار داده آنان را از تجاوز به حریم منهیات الهی بازداشته است و ترس از خدا را ملازم دل‌های آنان قرار داده است، تا آنجا که شبهایشان را بیخواب (به سبب عبادت) و روزهایشان را بی آب (به سبب روزه) گردانیده است.

جلوه های دیگر معنویت دینی را باید در شب زنده داری، تضرع در درگاه الهی، انس با دعا و مناجات دانست که اثر ویژه آن پالایش دل و احساس لذتی است که قابل مقایسه با لذتهای مادی و جسمانی نمی باشد. درک صفای نفس چنین انسانهایی بر تمامی کسانی که با آنها معاشرت و مجالست دارند، پوشیده نیست؛ پاکدلان صاحب نفس، پرتو بخش اسرار بر دیگرانند.

هر که با پاکدلان، صبیح و مسائی دارد	دلش از پرتو اسرار، صفائی دارد
زهد با نیت پاک است، نه با جامه‌ی پاک	ای بس آلوده، که پاکیزه ردائی

دارد

هیزم سوخته، شمع ره و منزل نشود	باید افروخت چراغی، که ضیائی دارد
--------------------------------	----------------------------------

(اعتصامی، ۱۳۶۲: ۵۳)

جلوه دیگری از معنویت باورهای دینی را می توان در تأثیر این باورهای در سلامت روانی فرد و جامعه مشاهده کرد. گرمابخشی به زندگی، وجود امید، نگرش مثبت و تبیین معقول از رنج، درد و محرومیت همه و همه از آثار و جلوه های زیست مومنانه می باشند. بی گمان می توان در سایه باورهای دینی و نیز اعمال نیک به آرامشی دست یافت که جایگزینی برای آن وجود ندارد. و این وعده خداوند است که فرمود: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ (فتح: ۴). او کسی است که آرامش را در دل

های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی به ایمانشان بیفزایند...» اولین برداشتی که از این آیه می توان داشت، این است که بدون ایمان، آرامش روحی و روانی وجود ندارد و یا دست کم اینگونه می توان گفت که یکی از عوامل ایجاد آرامش دارا بودن ایمان به خدا می باشد. در آیه شریفه ۲۸ سوره رعد، آمده است که: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب؛ آگاه باشید که تنها با یاد خدا دلها آرام می گیرد.»

نتیجه گیری

۱. در این که دین و باورهای دینی، در تعالی بخشی و معنادهی به زندگی، نقش کلیدی دارند، تردیدی وجود ندارد و نوعی توافق همگانی نسبت به آن را می توان مشاهده کرد.
۲. از دین و باورهای دینی به دو صورت می توان تصویرسازی معنوی کرد: تصویرسازی معنوی تک ساحتی منطبق با احساسات سطحی و تصویرسازی معنوی راستین که می توان به تعبیر دقیق تر، تصویر یابی واقعی از معنویت دینی آن را نام نهاد.
۳. ارائه تصویری معنوی از دین، وظیفه همه دینداران است بویژه آنکه جذابیت های خاص چنین تصویری، سبب اقبال هرچه بیشتر مردم بویژه جوانان خواهد شد. این ضرورت با توجه به تصویرسازی خشن و بی منطق از اسلام از سوی وهابیت و گروههای تکفیری بیش از پیش، وجود دارد.
۴. تصویرسازی معنوی را نباید با تلقی سکولاریستی از دین یکی دانست زیرا فروکاستن باورهای دینی به اموری صرفاً اخلاقی، مبتنی بر این پیش فرض نادرست است که گویا در اسلام رحمانی، فقه و حقوق، اجرای حدود الهی، سیاستهای دفاعی و جهادی و نگرش جامع به زندگی انسان وجود ندارد.
۵. رهاورد معنویت دینی، خوشبینی به هستی، امید به زندگی، و آرامش روحی و روانی برخاسته از یاد الهی (ذکر الله) است و این همه، نتیجه زیست مومنانه ای است که در پرتو بندگی و تسلیم در برابر اوامر الهی حاصل می گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن اثیر الجزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهاية في غريب الحديث و الأثر*، قم: اسماعیلیان.

اعتصامی، پروین (۱۳۶۲)، *دیوان پروین اعتصامی*، تهران: علمی.

بازرگان، مهدی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار ۱*، (راه طی شده، عشق و پرستش، ذره بی انتها)، تهران: انتشارات قلم.

الحسنی الراوندی، فضل الله بن علی (۱۳۷۷)، *النوادر*، تحقیق سعید رضا علی عسکری، قم: دارالحديث.

الحسینی الجوهری، عباس (۱۳۸۶)، *خزائن الاشعار*، مسجد مقدس جمکران.

حمیدیه، بهزاد (۱۳۸۹)، *بازخوانی انتقادی تحولات اخیر دینداری و معنویت گرایی*، فصلنامه علمی- پژوهشی قبسات، شماره ۵۶.

دادفر، محبوبه، (۱۳۸۶/۱۰/۲۱) *بررسی نقش دین در بهداشت روانی و فرآیندهای روان درمانی* - منبع: خبرگزاری فارس farsnews.com/newstext.php?nn=8610190366

سعدی، مصلح الدین (۱۳۷۵)، *بوستان سعدی*، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: انتشارات خوارزمی.

قریشی راد، فخر السادات (۱۳۸۲)، *نقش مذهب و رویارویی مذهبی در بهداشت روانی، اسلام و بهداشت روانی*، مجموعه مقالات، نشر معارف، جلد ۲.

گلشنی، مهدی (۱۳۷۹)، *علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، *انسان و ایمان*، تهران: صدرا، چاپ پنجاهم.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، *سیری در نهج البلاغه*، تهران: صدرا.

مولوی، جلال الدین بلخی (۱۳۹۵)، *داستان های مثنوی*، گزینش احمد دانشگر، تهران: شرکت کتاب.

ورام، ابن ابی فراس المالکی (۱۳۶۸)، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.